

این همه هیاهوی جابر کلیبی بر سر چیست!؟

بهرام رحمانی

bamdadpress@telia.com

اخیرا آقای جابر کلیبی، نوشته‌ای تحت عنوان «آزادی خلق کرد در بستر ناسیونالیسم، خیال باطلی است!»، ظاهرا در نقد مقاله رفیق صلاح مازوجی «عراق بعد از انتخابات» را که در نشریه جهان امروز، نشریه حزب کمونیست ایران، شماره ۱۴۳ درج شده، در سایت‌های اینترنتی منتشر کرده است. او، در این نوشته، آن‌چنان فضای مسموم غیرواقعی و خصمانه‌ای علیه رفیق صلاح مازوجی و حزب کمونیست ایران درست کرده است که هیچ قرابتی با پرنسیب‌ها و متانت سیاسی و اجتماعی مسئولانه و واقع‌بینانه ندارد.

متاسفانه روش و منش بخشی از جریانات و افراد، این است که ذهیت خودشان را به جای واقعیت‌ها می‌گذارند و با درست کردن یک دشمن خیالی، به جدل با آن برمی‌میزند. چنین عملکردی نه تنها هیچ تاثیر مثبتی نمی‌تواند داشته باشد، بلکه تفرقه، خصومت و دشمنی حتا با دوستان را نیز در پی دارد.

جابر، در این نوشته واقعیات و انصاف را کاملا کنار گذاشته و به دلایل نامعلومی سعی کرده است، مواضعی را به صلاح مازوجی و حزب کمونیست ایران نسبت دهد که از بیخ و بن دورغ و ساخته و پرداخته ذهن ایشان است. هر کس نوشته صلاح و جابر را بخواند و قضاوت عادلانه نماید، به سادگی نتیجه می‌گیرد که موضع جابر، یا از روی عمد و خصومت و یا برداشت غیردقیق و سطحی از مطلب صلاح است. در مقاله صلاح، دو استراتژی درباره عراق و به ویژه کردستان عراق، مورد بررسی قرار گرفته است. اولی به استراتژی آمریکا و اسرائیل و دولت‌های منطقه، و دومی به استراتژی دمکراتیک و آزادی‌خواهانه و انسانی می‌پردازد. بنظر می‌رسد جابر کلیبی، منتظر فرصتی بود تا به دلایل نامعلومی صلاح مازوجی و حزب کمونیست ایران را هم موضع با آمریکا و اسرائیل و ناسیونالیسم کرد نشان دهد. جابر، استراتژی امپریالیستی را که صلاح، نقد کرده است، به خود او و حزب نسبت می‌دهد. بنابراین، روشن است که او، نه از سر مطلب صلاح مازوجی، بلکه از سر مسئله‌ای دیگری به حزب ما حمله می‌کند که آن را رک و پوست‌کنده و صریح بیان نمی‌کند.

صلاح مازوجی، مقاله‌ای تحلیلی درباره وضعیت عراق بعد از انتخابات در این کشور اشغال‌شده و جنگی نوشته است. گوشه‌هایی از این مقاله را با هم مرور می‌کنیم تا خوانندگان خود قضاوت کنند که «منتقد» ما، چه درک و احساسی از اصول و پرنسیب و مسئولیت‌های سیاسی دارد؟ تا چه اندازه روابط و مناسبات سیاسی دوستانه و غیردوستانه را از هم جدا می‌کند!؟

صلاح مازوجی، مقاله خود را چنین آغاز می‌کند: «انتخابات مجلس ملی عراق برگزار شد، اما بر همگان روشن است که این انتخابات نه در ادامه یک روند دمکراتیک در این کشور بلکه در تداوم بی‌ثباتی سیاسی، فقدان امنیت جانی، اقتصادی و حاکمیت شرایط جنگی که از مدت‌ها قبل از لشکرکشی آمریکا و اشغال عراق تاکنون همچنان بر این کشور سایه افکنده است برگزار شد. انتخابات در شرایطی برگزار شد که با گذشت بیش از یک سال و نیم از حمله آمریکا و اشغال این کشور هنوز هم زندگی بیش از ۶۰ درصد مردم این کشور به جیره‌بندی ابتدایی‌ترین مایحتاج زندگی از جانب سازمان ملل متحد وابسته است. بر طبق تخمین سازمان ملل متحد، از سال ۱۹۹۱ تاکنون نزدیک به یک و نیم میلیون انسان در اثر سوء تغذیه و کمبود دارو و امکانات پزشکی جان خود را از دست داده‌اند...»

در ادامه این مطلب آمده است: «... راه میان‌بری وجود ندارد. یا جنبش رادیکال و آزادی‌خواهانه در تقابل با نیروهای ارتجاع مذهبی و سیاست‌های امپریالیستی و اشغالگری آمریکا راه خود را باز می‌کند و در مسیر پیشروی خود این جامعه را دمکراتیزه می‌کند، یا نمی‌تواند برای مردم عراق آینده‌ای تصور کرد.»

«... بنابراین همان‌گونه که شورای حکومتی و دولت موقت نخواستند مسئله کردها که یکی از مهم‌ترین مسائل پیشروی جامعه عراق است را حل کنند، دولت آینده هم این مسئله را حل نخواهد کرد. اکنون باید برای بسیاری از مردم کردستان روشن شده باشد که آمریکا قصد حل عادلانه مسئله کردها را ندارد و این مسئله هم‌چون اهرم و ابزاری در جهت اهداف سیاسی و استراتژیک شود در منطقه استفاده می‌کند. دولت آمریکا و دولت آینده عراق که جریانات اسلامی نزدیک به جمهوری اسلامی در آن دست بالا را دارند قبل از آن‌که به فکر پاسخ‌گویی به خواست عادلانه مردم کردستان باشند تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند که در برخورد به مسئله کرد چگونه منافع رژیم جمهوری اسلامی، دولت ترکیه و دولت‌های عرب همسایه را که به هر قیمتی از تمامیت ارضی عراق دفاع می‌کنند را حفاظت کنند. آمریکا و دولت آینده در عراق می‌خواهند که احزاب سیاسی در کردستان را با فدرالیسمی براساس تقسیمات استانی راضی کنند و از این طریق شهر نفت‌خیز کرکوک را از بخش‌های دیگر کردستان جدا کنند. یکی از گره‌گاه‌های مسئله کرد در عراق سرنوشت شهر کرکوک است که اگر آمریکا بخواهد آن را حل کند تنها با هزینه کردن مخارج چند روز اشغال این کشور و بمباران شهرهای آن می‌تواند شهرکی را در نزدیک بغداد یا تکریت با تمام امکانات شهری بسازد و همه خانواده‌هایی را که در دوره رژیم صدام با زور و یا تطمیع به شهر کرکوک کوچ داده شده‌اند را در آن‌جا اسکان دهد... اخیراً هنری کیسینجر وزیر امور خارجه سابق آمریکا، در مصاحبه با کانال تلویزیونی سی.ای.ان گفته است «چنانچه منافع ملی آمریکا در ایجاد یک عراق یکپارچه حاصل نشود، بهتر است که این کشور تجزیه شود.» چند روز پیش جی گارنر، اولین حاکم نظامی عراق، بعد از اشغال این کشور طی مقاله‌ای در «وال استریت ژورنال» گفته است «عراق

باید از تشکیل کشور مستقل کردستان حمایت کند.» گارنر می‌افزاید «همان‌گونه که فیلیپین در دوره پایان قرن گذشته به عنوان پایگاهی برای حضور نیروهای آمریکا در منطقه اقیانوسیه بود، کردستان مستقل نیز می‌تواند در قرن جدید به عنوان پایگاه و نقطه اعزام نیروهای ما به جهان عرب و خاورمیانه عمل کند.» در دستگاه اداری دولت بوش هستند کسانی نظیر پل ولفوویتز، در وزارت دفاع، که با کیسینجر و جی گارنر، اشتراک نظر دارند. هم‌زمان با این موضع دولت اسرائیل که بر این اعتقاد است که نیروهای آمریکایی در مقابله با تروریسم و ممانعت از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق با شکست مواجه شده است، در برخورد به مسئله کرد در کردستان عراق، تا جایی پیش رفته که رابطه ده ساله‌اش با دولت ترکیه را بر هم زده و از نو زمینه به هم نزدیک‌شدن رژیم جمهوری اسلامی، دولت ترکیه و سوریه را برای توطئه‌چینی علیه جنبش کردستان فراهم آورد است.»

«... مردم کردستان وقتی که افق سر کار آمدن یک حکومت دمکراتیک در عراق که حق عادلانه مردم کردستان را به رسمیت بشناسد، را تیره و تار می‌بیند، حق طبیعی و عادلانه خود می‌دانند که به استقلال کردستان و چگونگی تشکیل دولت مستقل کردی فکر کنند. این حق عادلانه مردم کردستان است که تلاش و آرزوی تشکیل کردستان مستقل را به یک استراتژی منسجم و سیاست نقشه‌مند تبدیل کند، در چنین شرایطی تهیه طومار و جمع‌آوری یک میلیون و هفتصد هزار امضاء در حمایت از برگزاری رفراندوم و همه‌پرسی آزاد و تلاش برای طرح مسئله در سازمان ملل متحد همه می‌تواند فعالیت‌ها و عناصر مفیدی در جهت تحقق این استراتژی سیاسی واحد باشد.»

مازوجی، در ادامه این پاراگراف تاکید می‌کند: «اما باید بدانیم که کارگران و توده‌های ستم‌دیده مردم کردستان هستند که می‌توانند نیروی مادی پیش‌برنده و تحقق این استراتژی باشند. این نیرو می‌تواند در صحنه سیاسی جامعه حاضر باشد و دوش بدوش مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی‌اش در همه عرصه‌ها و تلاش در جهت ایجاد همبستگی و اتحاد مبارزاتی با دیگر جنبش‌های آزادی‌خواهانه سراسر عراق و دیگر کشورهای منطقه زمینه‌های مادی برگزاری رفراندوم آزاد و ایجاد کردستان مستقل که مردم آن در امن و آسایش بسر می‌برند تنها از این مسیر می‌گذرد. جدا از این صحبت کردن از استقلال کردستان از جانب بعضی از محافل دولتی در آمریکا همان‌گونه که خودشان صریحا و آشکارا اعلام می‌کنند تنها می‌تواند تغییر نقشه و تغییر استراتژی آن‌ها برای منافع آمریکا در خاورمیانه باشد. این‌ها می‌خواهند کردستان مستقل ابزاری باشد در دست آمریکا برای رودرروئی با نیروی متخاصم آمریکا در منطقه. مطابق نقشه آن‌ها مردم کردستان هیچ‌گاه روی امن و آسایش را به خود نخواهند دید...»

جابر کلیبی، با ۱۸۰ درجه وارونه کردن بحث صلاح مازوجی، می‌نویسد: «مقاله‌ای تحت عنوان «عراق بعد از انتخابات»، به قلم صلاح مازوجی درج شده که بیانگر مواضع و گرایش‌های خطرناکی در درون حزب

کمونیست، در مورد آینده خلق کرد می‌باشد... از این رو تعجب نیست چنانچه گرایش‌های ناسیونالیستی حزب کمونیست اینک از قلم صلاح مازوجی یکی از رهبران این حزب تراوش می‌کند... در بخش‌هایی از نوشته صلاح مازوجی، به ویژه تا آنجا که مسائل مردم کردستان عراق را مطرح می‌کند تمایلات غلیظ ناسیونالیستی کرد به روشنی بروز می‌نماید... اگر با نام صلاح مازوجی به عنوان یکی از رهبران حزب کمونیست ایران آشنا نبودم بدون تردید فکر می‌کردم این پیشنهاد راسیستی را یک فرد عقب‌مانده و هیستریک متعلق به یک جریان شوینیست کرد مطرح کرده است... تنگ‌نظری ناسیونالیستی کرد چنان هوش و هواس مازوجی را پرت کرده که ایشان جز «کرد»ها انسان دیگری را به رسمیت نمی‌شناسد و از آمریکا می‌خواهد تا با ایجاد شهرک جدید و انتقال اعراب به آن، درست همان کاری را بکند که صدام در کوچ دادن اعراب به مناطق کردنشین کرده است... مازوجی اما تنها به اخراج اعراب از شهر کرکوک بسنده می‌کند، او خواستار تحقق رویاهای پان کردیسم بورژوا_فئودال‌های کرد برای ایجاد کردستان «مستقل» نیز می‌باشد و طبعاً در این هدف خود با مرتجع‌ترین و هارترین مهره‌های امپریالیسم آمریکا از قبیل هنری کیسینجر و جی گارنر هم‌سو می‌شود... باین ترتیب رفقای حزب کمونیست ایران می‌خواهند حساب خود را از بقیه خلق‌های ایران، به ویژه از مبارزه طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان این کشور مستقل سازند و «کردستان مستقل» خود را نه در مبارزه انقلابی برای رهایی جامعه از سلطه بورژوازی و نظام سرمایه‌داری بلکه در محاسبات امپریالیستی بسازند. می‌بینید چه نزدیکی‌های هدفمندی میان ناسیونالیسم کرد با هنری کیسینجر، ولفوویتز و دولت اسرائیل در مورد «کردستان مستقل» وجود دارد... اینک نوبت افرادی در حزب کمونیست ایران است که به این روند بورژوازی به پیوندند...»

بدین ترتیب آنچه که در بالا ملاحظه کردید، جوهر برخورد نادرست و وارونه جابر کلبی، به صلاح مازوجی، حزب کمونیست ایران و کومه‌له است. خشم جابر از این است که چرا صلاح، بحث «استقلال کردستان» را به میان کشیده است.

حتا فرض کنیم مقاله صلاح ایراد و اشکالی هم داشت، آیا جابر، با توجه به رابطه نزدیکی که در چهارچوب اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران، با صلاح و حزب کمونیست ایران دارد، به جای راه انداختن جنجال و هیاهو نقد متین سیاسی خود را می‌نوشت تا تاثیری مثبتی بر خواننده داشته باشد. اما ایشان بدون احساس مسئولیت سیاسی و اجتماعی چشم خود را بست و هر آنچه به ذهنش رسید به سوی کومه‌له و حزب کمونیست ایران و صلاح مازوجی پرتاب کرد؟!!

در این دور و زمانه در اوج بربریت سرمایه‌داری و در راس همه امپریالیسم آمریکا، به محض این که کسی درباره کشتار مردم آزادی‌خواه و تحت ستم کرد، توسط دولت‌های وحشی منطقه بحثی به میان آورد، بلافاصله مورد حمله «دوست» و «دشمن» قرا می‌گیرد.

اگر از همین جنگ جهانی دوم به بعد، به مسئله مردم کرد بنگریم همواره پان‌ترکیست‌های ترکیه، پان‌فارس‌یست‌های ایران و پان‌عربیست‌های عراق و سوریه، با تمام قوا و قدرت نظامی مردم تحت ستم و آزادی‌خواه کرد را سرکوب و کشتار کرده‌اند و هنوز هم می‌کنند. دولت‌های منطقه، طرح‌های هولناکی در آرشیوهای پلیسی و نظامی خود، در سرکوب و کشتار مردم تحت ستم، به ویژه مردم آزادی‌خواه کرد در منطقه بحرانی خاورمیانه دارند. مگر جابر نمی‌داند تا روزی که مساله مردم فلسطین و کرد، در این منطقه حل نشود، بحث از صلح و آرامش در خاورمیانه، شعاری توخالی بیش نخواهد بود. راه‌حل‌های بورژوازی تاکنون غیر از سرکوب و کشتار چیز دیگری نبوده است، از این به بعد هم نخواهد بود.

اما در عین حال فقط کمونیست‌ها نیستند که راه حل برای ستم ملی را دارند. بورژوازی هم راه‌حل‌های خودش را دارد. در همین دو دهه اخیر ده‌ها کشور مستقل در جهان تشکیل شده است. بحث اساسی نه در تشکیل دولت مستقل، بلکه اساساً بر سر استراتژی‌های متفاوت است. استراتژی بورژوازی این است که بورژوازی «خودی» حاکمیت را قبضه کند، نه طبقه کارگر و مردم محروم و تحت ستم. اگر هم احیاناً مردم تحت ستم، خارج از طرح‌ها و نقشه‌های بورژوازی، خواهان جدایی باشند، به وحشیانه‌ترین شکلی کشتار می‌گردند. ما کمونیست‌ها، خواهان اتحاد آگاهانه و داوطلبانه ملل گوناگون با هم هستیم و به همین دلیل برای جلوگیری از سرکوب و کشتار، جدایی را قبول داریم. قبول جدایی هم به معنی تبلیغ برای جدایی نیست. ما در همه مجامع عمومی ایرانی که بحث سیاسی بر سر ستم ملی بر کردها، عرب‌ها، بلوچ‌ها، ترک‌ها، ترکمن‌ها و غیره، در جریان بوده است، شوینیست‌های ایرانی آن چنان برآشفته شده‌اند و با سلاح زنگ‌زده «تجزیه‌طلبی» و «به خطر انداختن تمامیت ارضی» به طرف مقابل تاخته‌اند که اگر زورشان هم می‌رسید به خشونت و برخورد فیزیکی نیز متوسل می‌شدند. البته در بین ملل تحت ستم نیز گرایش عقب‌مانده‌ای وجود دارد که هم این گرایش و هم گرایش شوینیستی، هر دو برای جامعه انسانی خطرناک هستند و در یوگسلاوی و جاهای دیگر وحشی‌گری‌های خود را نشان داده‌اند. نسل‌کشی ارمنی‌ها در ترکیه، جرم شمردن حتا به زبان آوردن کلمه «کرد» در ترکیه، کشتار کردها در سوریه، کشتار کردها در عراق و بمباران شیمیایی حلبچه، قتل‌عام در رواندا و... نمونه‌هایی هستند که درباره آن‌ها اسناد تاریخی فراوانی وجود دارد.

واضح است که جنبش کارگری کمونیستی قدرت‌مند و انترناسیونالیست با برانداختن سیستم کاپیتالیستی، قادر است یک‌بار برای همیشه، به هرگونه ستم و استثمار از جمله حق تعیین سرنوشت مردم تحت ستم کرد و غیرکرد را تا سرحد جدایی متحقق سازد و مهر طبقاتی خود را در تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بکوبد. همچنین اتحاد داوطلبانه و آزادانه «ملل» گوناگون برای همزیستی مسالمت‌آمیز و برابر در چهارچوب یک کشور را فراهم آورد. این موضع کمونیستی، در اهداف و

سیاست‌ها و برنامه حزب کمونیست ایران، بیش از دو دهه است که به طور صریح و شفاف ترویج و تبلیغ می‌گردد.

کادرها، اعضا و هواداران حزب کمونیست ایران و کومه‌له، چندین دهه است که با تمام وجود و خلوص نیت و بدون ادعا و هیاهو درگیر یک مبارزه طبقاتی و کمونیستی نظری و عملی جدی هستند و کارنامه درخشان طبقاتی و کمونیستی آن‌ها را نیز به سادگی می‌توان با رجوع به برنامه، مصوبات کنگره‌ها و کنفرانس‌ها و نشریات و سخنرانی‌ها و برنامه‌های رادیویی روزمره رادیوی صدای انقلاب و صدای حزب کمونیست ایران و غیره مطالعه کرد و دید که نگرش جابر کلبی، نسبت به حزب کمونیست ایران و مازوجی چقدر غیرواقعی و مغرضانه است.

مواضع ثابت و یا تغییر مواضع یک جریان سیاسی را باید از روی اسناد رسمی آن که به ویژه در کنگره‌ها و کمیته مرکزی آن تصویب می‌شود باید مورد بررسی و ارزیابی و نقد قرار داد. از این‌رو در این‌جا به بخشی از قطعنامه کنگره دهم کومه‌له درباره حل ستم ملی اشاره می‌کنم تا مواضع ما در این‌جا نیز شفاف‌تر روشن شود. قطعنامه کنگره دهم کومه‌له، تحت عنوان «قطعنامه کنگره دهم درباره استراتژی، سیاست و تاکتیک‌های ما»، بخش‌های مختلفی را در برمی‌گیرد. در مقدمه آن اوضاع سیاسی و اجتماعی کردستان و عملکرد دولت در قبال آن مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش اول آن، مسئله کرد در کردستان ایران و پروژه اصلاحات بورژوازی مورد بررسی و نقد می‌گیرد. در بخش دوم، شعار فدرالیسم، نقد می‌شود. در بخش سوم، کومه‌له و راه‌حل مسئله ملی در کردستان توضیح داده می‌شود. در بند الف بخش سوم، می‌خوانیم: «همانطوری که همیشه گفته‌ایم، ما خواهان حق تعیین سرنوشت به معنی حق تشکیل دولت مستقل برای مردم کردستان هستیم. اما شرایطی که در آن مردم کردستان بتواند بدون نگرانی از تهدیدات و اعمال فشارهای نظامی، پلیسی، سیاسی و اقتصادی و غیره آزادانه از این حق خود استفاده کنند، با مبارزه برای اعتلای انقلابی در ایران و تغییر ماهیت رژیم حاکم، برقراری آزادی‌های بدون قید و شرط سیاسی، ایجاد می‌شود. بر این مبنا تنها راه واقع‌بینانه رفع ستم ملی از خلق کرد مشارکت مردم کردستان در یک جنبش انقلابی سراسری به منظور سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری رژیم است که برخورداری عملی از همه حقوق دمکراتیک مردم را تامین کند. ما به همراه کارگران و زحمتکشان کرد برای تحقق این چشم‌انداز مبارزه می‌کنیم و همه مردم کردستان را به همراهی در این راه فرامی‌خوانیم. بدیهی است که با ایجاد چنین شرایط دمکراتیکی این مردم کردستان هستند که تصمیم می‌گیرند چگونه از این حق‌شان استفاده کنند. اما با توجه به اوضاع جهانی و مجموعه عوامل محلی و منطقه‌ای و شرایط بخش‌های دیگر کردستان، ما باقی ماندن در چهارچوب ایران و مشارکت مردم کردستان در یک حکومت مستقیم کارگران و زحمتکشان را توصیه می‌کنیم...»

در پاراگراف دیگری در این بخش، تاکید شده است: «چشم‌داشتن به یک افق سراسری، همراه با کارگران و همه مبارزین انقلابی و سوسیالیست در ایران سهل‌ترین و کم‌دردسرت‌ترین راه برای رفع ستم ملی و تحقق اهداف و مطالبات حق‌طلبانه مردم کردستان است...»

در هر صورت این قطعنامه طولانی است، علاقمندان می‌توانند کل این قطعنامه را در سایت حزب کمونیست ایران در بخش «مسئله ملی» مطالعه نمایند. اما فکر می‌کنم همین چند سطر نقل قول از این قطعنامه، مواضع کومه‌له و حزب کمونیست ایران را در رابطه با حل ستم ملی به وضوح نشان می‌دهد. همچنین مواضع حزب کمونیست ایران و کومه‌له، در رابطه با سیاست‌های امپریالیستی آمریکا، در رابطه با اشغال نظامی عراق، و عملکرد احزاب کردستان عراق، بسیار روشن و شفاف است و صدها صفحه اسناد و برنامه‌های رادیویی در این مورد وجود دارد. باز هم هر انسان علاقمند، می‌تواند با رجوع به سایت‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له، این اسناد را مطالعه کند و در مورد موضع خصمانه جابر علیه ما، قضاوت عادلانه نماید. مردم کردستان عراق، نه با سیاست‌های امپریالیستی آمریکا، به سعادت و آرامش نخواهند رسید، بلکه کارگران و مردم محروم و تحت ستم و آزادی‌خواه می‌توانند دنیای بهتری سازند. احتمالاً جابر کلیبی، به دلیل این که مواضع ما را خوب تعقیب نکرده است، این چنین موضع غیرمنصفانه و ناعادلانه علیه ما گرفته است!؟

می‌بینیم که جابر کلیبی، ۱۸۰ درجه مقاله صلاح مازوجی را وارنده کرده تا موضع متاثر از گرایش شوینستی را توجیه کند. مسلماً حق طبیعی جابر کلیبی و هر کس دیگری است که منتقد باشد، اما منتقدی منصف و واقع‌بین و با احساس مسئولیت سیاسی و انسانی. برپا کردن هیاهو و راه انداختن گرد و خاک برای پوشاندن واقعیت و تهمت و افترا زدن به افراد و احزاب، عملی زشت و ناروا است. جابر، می‌توانست در یک فضای سالم سیاسی و رفیقانه مقاله صلاح مازوجی را نقد کند، اما ایشان، چنین نکرد و آن‌چنان فضا را مسموم کرد و اتهام سنگینی به صلاح مازوجی و حزب کمونیست ایران وارد کرد که خواننده را متحیر و متعجب ساخت.

اجازه بدهید من اشاره‌ای به مشاهدات خودم از عراق و کردستان عراق، داشته باشم. هنگامی که در سال ۲۰۰۲ برای شرکت در کنگره دهم کومه‌له به کردستان عراق رفته بودم و بعد از برگشت مشاهدات خودم را از عراق و کردستان عراق در دو بخش نوشتم و منتشر کردم. ماشین ما، هنگامی که شهر کرکوک را پشت‌سر گذاشت و از میان کوه‌ها و دره‌ها و روستاهای سوخته توسط ارتش صدام حسن، به آخرین پاسگاه کنترل دولت صدام حسین و پس از آن نیروهای کردستان عراق گذشتیم و به راه خود به سوی سلیمانیه ادامه دادیم، در حومه شهر سلیمانیه، در کنار جاده چندین کیلومتر چادر زده شده بود که در آن‌ها کودکان، زنان و مردان، در زیر گرمای چهل درجه بدون کم‌ترین امکانات می‌زیستند. آن‌ها اکثراً

کردهای شهر کرکوک بودند که توسط دولت جنایت‌کار صدام حسین، از خانه و کاشانه‌شان به زور رانده شده بودند و در حومه شهر سلیمانیه در گرمای سوزان و سرمای سوزناک زندگی فلاکت‌باری می‌گذراندند. از سوی دیگر دولت مرکزی، تعدادی از مردم عرب‌زبان را به زور و یا با تطمیع و تعدادی نیز سرمایه‌دار برای کسب سود بیش‌تر در شهر کرکوک اسکان داده بود. یعنی دولت صدام حسین، در بیش از سه دهه، مشغول پاکسازی قومی و تغییر بافت «ملیت» شهر کرکوک بود.

علاوه بر این، حتا دولت ترکیه نیز ادعا می‌کند که پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی قرار بود ده درصد نفت کرکوک، به دولت ترکیه تعلق گیرد، باید این امر واقعیت پیدا کند. در نتیجه سازمان پلیس مخفی ترکیه (میت)، به ویژه پس از حمله آمریکا به عراق در سال ۹۱، بلافاصله جریانی را به نام «حزب ترکمن» علم کرد تا اهداف غیرانسانی خود را از طریق آن پیش ببرد. همچنین دولت ترکیه، در هر فرصتی اعلام می‌کند که اگر کردها بخواهند در امور این شهر دخالت کنند دولت ترکیه ساکت نخواهد نشست. بنابراین صلاح، به درستی به موقعیت خطیر و حساس این شهر اشاره می‌کند. چرا که مردم عرب، کرد، ترک و آسوری در کرکوک، در نگرانی دائمی به سر می‌برند و هر آن احتمال داده می‌شود گرایش‌های ارتجاعی، جنگ و درگیری خونینی در این شهر راه بیاندازند.

امروز افکار عمومی مترقی مردم جهان و اسرائیل و فلسطین می‌خواهند شهرک‌های یهودی‌نشین که دولت اسرائیل، در این سال‌ها در خاک فلسطین تاسیس کرده است برچیده شوند، آیا چنین خواستی راسیستی و دشمنی با یهودی‌هایی است که دولت اسرائیل با ویران کردن خانه‌های فلیسطینی‌ها به زور در آن‌جا اسکان داده است؟

راه حل انسانی این است که امکانات مورد نیاز زندگی آوارگان کرد مهیا گردد تا این آوارگان هر چه زودتر دوباره به خانه و کاشانه خود برگردند. همچنین چنین امکاناتی را هم باید برای مردم عرب‌زبان فراهم کرد که اگر خواستند به شهر دل‌خواه خودشان نقل مکان کنند. یا مهم‌تر از همه برای هر تغییر و تحولی در شهر کرکوک، احتمالا به آرای عمومی آزاد و برابر همه ساکنان این شهر مراجعه شود. در هر صورت با توجه به بافت جمعیت و نفت، حل مسئله این شهر، امر بسیار پیچیده‌ای است. بنابراین کجای این موضع راسیستی، ناسیونالیستی و هم‌جهتی با آمریکا و اسرائیل است؟!

تا آن‌جا که در بحث صلاح، به فراندوم و لیست امضای یک میلیون و هفتصد هزار نفری از حدود بیش از چهار میلیون نفری مردم کردستان عراق، مربوط می‌شود نیز برآشفته شدن جابر، به غایت نادرست است. همین لیست امضا، نشان می‌دهد که بخش عظیم صاحب رای از حدود چهار میلیون شهروند جامعه کردستان عراق، خواهان «کردستان مستقل» هستند. موضع شما، در مقابل این حرکت توده‌ای چیست؟ چرا باید این مسئله با فراندومی که جریانات راست ایرانی مطرح می‌کنند، یکی گرفت و بلافاصله مارک

«ناسیونالیست کرد» بر آن زد. مخالفت ما با مقوله فراندوم در ایران، در فضای و شرایط کنونی حاکم بر این کشور است که فعالیت همه احزاب، سازمان‌ها، تشکل‌های توده‌ای کارگری، کانون نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان در آن مطلقاً ممنوع است. حتا اگر هر هوادار جریان سیاسی مخالف در ایران دستگیر شود، بلافاصله اعدام هم نگردد، به ده‌ها سال زندان درازمدت در زیر وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار داده می‌شود. در ایران، رژیم حاکم است که دستش به خون بیش از صد هزار انسان آغشته است؛ رژیمی که اکثریت مردم ایران را به فلاکت و سیه‌روزی اقتصادی نشانده است؛ رژیمی که به غیرانسان‌ترین شکلی نیروی کار را استثمار می‌کند؛ رژیمی که با اتکا به قوانین ارتجاعی اسلامی دست و پا می‌برد و چشم درمی‌آورد؛ رژیمی که زنان را به طور سیستماتیک سرکوب می‌کند؛ رژیمی که آینده کودکان را به تباهی می‌کشد. خلاصه کلام، رژیمی که کسب و کارش غیر از سرکوب و کشتار و خفقان چیز دیگری نیست. با توجه به موقعیت ایران، فراندوم عملی نیست و طراحان آن چه بخواهند و چه نخواهند در عمل به بقای رژیم جمهوری اسلامی یاری می‌رسانند و در افکار عمومی توهم‌پراکنی به وجود می‌آورند. اما اگر فضا طور دیگری بود و فعالیت سیاسی و اجتماعی همه احزاب و سازمان‌ها در ایران آزاد بود و آزادی تشکل، اعتصاب و بیان و قلم وجود داشت، قطعاً فراندوم درباره خیلی از مسائل مطرح می‌شد و چه بسا ما کارگران و کمونیست‌ها، نه تنها با آن مخالفت نمی‌کردیم، بلکه فعالانه نیز در آن شرکت می‌نمودیم تا در یک فضای آزاد و دمکراتیک، آلترناتیو طبقاتی خودمان را در نتایج آن فراندوم پدید آوریم. در حالی که در کردستان عراق، نه به طور کامل، اما به طور نسبی فضا برای برگزاری فراندوم وجود دارد و حتا بسیاری از کارگران و کمونیست‌ها و انجمن‌ها و نهادهای دمکراتیک کردستان عراق نیز با آن موافق هستند.

آخرین نقطه این که از سال ۹۱، یعنی از اولین حمله نظامی آمریکا و متحدینش به عراق، و عقب‌رانده شدن حکومت مرکزی از کردستان عراق، حتا ارتش ترکیه نیز بارها تا عمق خاک کردستان عراق لشکرکشی کرده و عقب‌نشینی نموده است. دولت‌های ترکیه، سوریه و ایران، از سال ۱۹۹۱، کمیته مشترکی دارند که جلسات روتین آن، در سطح وزرای خارجه و مسئولین امنیتی و نظامی در تهران، آنکارا و شام برگزار می‌شود که هدف اصلی آن جلوگیری از تشکیل کردستان مستقل در عراق است. در چنین شرایطی چرا ارائه یک پیشنهاد سیاسی و انسانی برای رهایی مردم ستم‌دیده کردستان از میان این همه جنگ و خون و آتش دهه‌های طولانی تا این حد جابر را از خود بی‌خود می‌کند. کم‌تر خانواده‌ای در کردستان عراق، می‌توان پیدا کرد که اعضای از خانواده‌شان در حملات وحشیانه نیروهای حکومت مرکزی و یا زندان‌ها جان خود را از دست نداده باشد. تا کی باید مردم آزادی‌خواه کرد، قربانی بدهند و صدایشان در نیاید تا احیاناً دل‌های نازک شوینیست‌ها و طرفداران «تمامیت ارضی» به لرزه نیافتد. کاش

جابر، سفری به کردستان می‌کرد و از نزدیک با درد و رنج و مشقت مردم کردستان کمی آشنایی می‌شد آن وقت شاید از ذهن‌گرایی رها می‌شد و لحن و نظرش با واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطبق می‌کرد.

در خاتمه من شخصا این حرکت جابر کلیبی را محکوم می‌کنم، نه به خاطر این که او حزب ما و مقاله رفیق صلاح را نقد کرده است، از این بابت من انتقادی به ایشان ندارم و آزادی بیان را حق طبیعی همه انسان‌ها می‌دانم. انتقاد من نسبت به این نوشته جابر، این است که او، با یک چرخش قلم، مقاله صلاح و مواضع حزب ما را وارونه است. این کار بسیار نادرستی است و به دلیل این که به نقد و بررسی و مبارزه سالم لطمه می‌زند، محکوم است. نباید میدان داد تا روابط و مناسبات افراد و احزاب توسط عناصر غیرمسئول به سادگی و با یک چرخش قلم تخریب شود. چنین شیوه‌های غلط قبل از هر کس، دامن خود شخصی که اتخاذکننده آن است را می‌گیرد. در چنین وضعیتی برای من که با آقای جابر کلیبی، در مسئولیت هیئت تحریریه نشریه «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، همکاری دارم، اگر به این حرکت خود انتقاد نکند، ادامه همکاری‌مان سخت خواهد شد. زیرا این نگرانی را دارم که جابر، امروز موضع غیراصولی همراه با تهمت و افترا بر علیه صلاح مازوجی و حزب کمونیست ایران، راه انداخته است، اگر مورد انتقاد جدی قرار نگیرد، فردا نیز چنین روش ناسالم و مخرب علیه فرد و جریان دیگری در درون «اتحاد انقلابی نیروهای کمونیست و چپ ایران»، به کار گرفته شود.

هفتم مارس ۲۰۰۵